

# نورالانوار

سال اول. شماره یک. زمستان ۱۳۹۴



- عرفان در قرآن
- عرفان در حلقه
- اعجاز علمی قرآن در
- تحمل ایمنولوژی طی بارداری

امام صادق (ع) فرمودند: زمانی که فتنه‌ها همچون سیاهی شب به شما هجوم آورد، به قرآن تمسک جوئید.

... آری

هجوم فتنه‌ها مشهود است و اما تمسک به قرآن رنگ آغاز به خود نگرفته است!

دانشگاه همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های خیزش تحولات و به‌ویژه تحولات فرهنگی بوده و بدین لحاظ می‌تواند مبدأ جریانات و حرکت‌های عظیم فرهنگی هم چون فرهنگ قرآن و اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) باشد که کارکرد آن جز به واسطه دو مؤلفه نیست، قرآن که با حضورش در دانشگاه به منزله فرقان حق و باطل برای دانشجو و هم‌چنین بازدارنده او از ریزش‌ها و لغزش‌ها بوده و سیره خاندانی که در تلاطم، کشتی نجات و در تاریکی‌ها، چراغ راه‌اند.

در این راستا کانون قرآن و عترت دانشگاه تربیت مدرس داعیه‌دار آغاز حرکتی است که به عنایت حضرت حق تعالی می‌تواند سرمنشأ تحول و یا تکامل فرهنگ قرآن و اهل‌بیت (ع) بوده و سهمی هرچند به‌قدر قطره در این دریای بی‌کران داشته باشد.

و این حرکت متصور نیست جز با همراهی دانشجویان و فرهیختگان دانشگاه، از این‌رو کانون مزبور از تمامی دانشجویان علاقه‌مند به این حوزه دعوت به عمل آورده و گام‌های ایشان به دیده جان می‌پذیرد!...

# حکمت در قرآن

## عرفان در قرآن

مفاهیم عرفانی در فرهنگ قرآنی تبلور خاصی دارد، آیات این کتاب آسمانی گویای عمیق‌ترین عرفان نظری و عملی می‌باشد. برای شناخت و معرفت، راه‌های متعددی وجود دارد که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در سه راه خلاصه کرد: راه علم، راه عقل و راه عرفان. راه علم از حس شروع می‌شود و با تجربه و آزمایش تکمیل می‌یابد و راه عقل از فکر آغاز می‌گردد و به‌وسیله منطق و برهان تقویت می‌گردد و راه عرفان از فطرت و وجدان برمی‌خیزد و با تزکیه و عبادت شکوفا می‌شود. معرفت الهی در سرلوحه معارف قرار گرفته است، ولی این سه راه را به‌عنوان طرق اصلی برای هر حقیقت‌اصیلی می‌توان بیان نمود؛ مثلاً برای دریافت خوبی عدالت و زشتی ظلم می‌توان از سه راه طی طریق نمود. یک دانشمند به ارزش عدالت از طریق علم دسترسی پیدا می‌کند؛ مثلاً یک جامعه‌شناس یا حقوقدان ضرورت

آن را در کاوش‌های اجتماعی می‌یابد و یک فیلسوف با تجزیه و تحلیل عقلایی و یک فرد وارسته اخلاقی هم با فطرتی پاک و بدون آرایش. سومی زیبایی عدالت و زشتی ظلم را با وجدان خود درک می‌کند و از هرگونه ظلمی تنفر دارد. او با فطرت پاکش از زجر یک کبوتر رنج می‌برد و از گرسنگی یک انسان استعمار زده زجر می‌کشد و هیچ‌گونه نیازی نه به دلیل علمی دارد و نه به برهان فلسفی. البته بی‌می‌که برخاسته از نظر به ابهت و عظمت ذی‌الجلال است، منحصر به علماء و دانشمندان می‌باشد. در مورد عقل هم می‌فرماید: تنها صاحبان خرد متذکر و متنبه می‌شوند (رعد / ۱۹) و در مورد عرفان هم می‌فرماید: آیا کفایت نمی‌کند که پروردگارت نسبت به هر چیز حضور دارد (فصلت / ۵۳).

علم و عقل و عرفان هر سه چراغ‌هایی تابناک هستند که آدمی را هدایت می‌کنند. راه عرفان راهی روشن، جذاب و نزدیک به معرفت الهی است؛ زیرا

در این راه واسطه‌ای در استدلال وجود ندارد و آفتاب خود دلیل آفتاب می‌گردد، همچنان که امام عارفان و امیر مؤمنان فرمود: (اعرفوا الله بالله؛ خدای را با خود خدا بشناسید) اصول کافی. عرفان مقام بلند و بالایی است که در اوج حقائق قرار گرفته و دست هرکسی بدان راه ندارد، تنها بلندپروازانی را می‌طلبد که با بال معرفت و اطاعت به پرواز آیند تا در مسیر آن قرار گیرند. دل وارسته‌ای می‌خواهد و کردار شایسته‌ای تا به عالی‌ترین مقصد و مقصود هستی نزدیک شود و در مقام قرب جای گیرد که فرمود: یوم لا ینفع مال و لا بنون \* إلا من اتى الله بقلب سلیم؛ روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد (شعراء / ۸۸)

توحید الهی خورشید تابناکی است که در عرفان اسلامی می‌درخشد. توحید زیربنای کلیه تفکرات دینی است و توحید روح و جان اعمال و دستورات اسلامی است. عارف شیفته الهی است، عارف در پیشگاه عظمت و جلال کبریایی غرق حیرت است. از این‌رو می‌سراید که: «فلسنا نعلم کنه عظمتک الا نعلم انک حی قیوم؛ پروردگارا به کنه بزرگی و جلال تو آگاهی نداریم مگر آنکه همین قدر می‌دانیم که تو زنده و پاینده هستی. حیات اصیل و جاودانه از آن توست و قوام کلیه موجودات به تو.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰)

تسلیم اوست هر چه در آسمان‌ها و زمین است؛ چه خواسته و چه ناخواسته (آل عمران / ۸۳) بی‌شک فردی که به زبان، انکار خدا را می‌کند سلول‌های زبانش در قبضه قدرت الهی است. امیر مؤمنان می‌فرماید: «کل شیء خاشع له و کل شیء قائم به، غنی کل فقیر و عز کل ذلیل و قوه کل ضعیف و مفزع کل ملهوف؛ هر موجودی در پیشگاه عظمت او خاضع و خاشع است و هر وجودی به او پاینده است و قوام دارد، بی‌نیاز کننده هر فقیر و عزت بخش هر ذلیل و نیرودهنده هر ناتوان و پناهگاه هر اندوهناک است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۹)

عرفان ثمرات ارزشمند فراوانی دارد؛ مانند انس به خدا، اطمینان و آرامش دل‌ها، تسلیم و رضا، عبادت و اطاعت که در رأس آن‌ها می‌توان عشق و محبت به ساحت مقدس الهی را دانست. محبت و عشق یکی از ثمرات دل‌انگیز عرفان است. خداوند متعال می‌فرماید: والذین آمنوا اشد حبا لله؛ و آنهایی که ایمان آوردند شدیدترین محبت را نسبت به خداوند دارند (بقره / ۱۶۵).

نتیجه جهالت هم دشمنی و عداوت است، همچنان که امام عارفان فرمود: «الناس اعداء ما جهلوا؛ مردمان دشمن چیزی هستند که نشانند.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳). ایمان که خود پدیده عرفان است رابطه تنگاتنگی با محبت دارد. فضیل بن یسار از امام صادق (ع) پرسید که آیا حب و بغض جزء ایمان است. امام (ع) فرمود: «هل الايمان الالحب والبغض؛ آیا ایمان جز دوستی و دشمنی چیز دیگری است؟» (اصول کافی، باب الحب فی الله و البغض فی الله، ح ۵) در مکتب عرفان محور محبت خداست، همچنان که امام سجاد (ع) در دعایش می‌گوید: «اسألک حبک و حب من

یحبک و حب کل عمل یوصلنی الی قریک؛ پروردگارا از تو می‌خواهم محبت خود را به من عنایت فرمایی و محبت هرکسی که تو را دوست می‌دارد و محبت هر کاری که مرا به تو نزدیک می‌سازد.» (مفاتیح الجنان، مناجات خمسسه عشر - مناجات المحبین). از این مفاهیم ارزشمند می‌توان فهمید که بر روی هر ادعایی نباید نام عرفان نهاد، معنویت را باید از حبل‌المتین، ریسمان‌های محکم خداوند، واسطه‌های فیض خداوند در روی زمین که به حق امامان معصوم هستند طلب کرد.

و عرفان من تویی ... ای آب‌رفته از برم در کدامین سرزمین تو را جست‌وجو کنم ... بیا که تشنگی‌ام از حد گذشته است ... نه خطا گفتم تو هستی و من باید تو را بنوشم ای زلال جاری در رگ‌هایم ... گویا چشمانم نابینا شده‌اند از بس که تو نبوده‌ای و یا ... نه اشتباه می‌کنم از بس که نباید هر چیزی غیر از تو را می‌دیدند نابینا شده‌اند ...

بیا ای روشنی چشمانم ...

ای عرفانم ...

### منابع

مرتضی مطهری - آشنایی با علوم اسلامی - صفحه ۱۰۰، ۱۰۸

محمد کاظم خفائی فضل - مقاله آشنایی با

عرفان اسلامی - سایت اندیشه قم

مقاله نگاهی به عرفان اسلامی با

الهام از قرآن و عترت علیهم‌السلام -

فصلنامه مشکوة - شماره ۷۸





## نقد فیلم طلای سیاه

( ساخته ژان ژاک آنو )

فیلم "طلای سیاه" ساخته ژان ژاک آنو فیلم‌ساز مطرح فرانسوی، در ابتدا با تمرکز بر ایجاد شبه‌جزیره عربستان و جایگاه کشف نفت به‌عنوان عاملی در جهت ثروت‌اندوزی و تقابل قبایل شکل می‌گیرد. اما با گذر از این مرحله و در رجوع به پرده دوم از فیلم-نامه، رویه‌ای زیرپوستی از تلاش مشترک تهیه‌کنندگان عرب و سازندگان غربی، مبنی بر شبهه افکنی در مسئله مهم مهدویت عیان می‌شود. اما سرمایه-گذاری تهیه-کنندگان عرب در فیلم "طلای سیاه" که با حضور کارگردان "دشمن پشت دروازه‌ها" و نقش‌آفرینی بازیگران مطرح هالیوودی چون آنتونیو باندراس و طاهر رحیم همراه بوده است، نشان از مفاهیم اساسی‌تری از تخاصم قبایل در جهت ثروت‌اندوزی یا دل‌بستگی هندی وار پسری از قبیله عمار با نام آتودا و لیل از قبیله نصیب دارد. شوک ناگهانی زنده شدن آتودا در جنگ قبیله‌ای که به طرز کاملاً سطحی و در متن روایتی پریشان‌حال و ساختاری بی‌هویت در فیلم جان یافته است و تبدیل شدن این جوان به پرچم‌دار قیامی مردمی علیه ظلم که با فریادهای مهدی و پینه‌دوزی نویسنده به جریان معرفتی مهدویت دوخته شده است، اثر مخدوش، هذیان گوی و گسسته در اجرا، طلای سیاه را به شمایلی دروغ‌پرداز و انحراف‌گرا می‌رساند تا ادامه‌دهنده الگویی وارونه از نماد اصیل موعودگرایی باشد، که به‌عنوان عنصری نجات‌بخش در حرکت فردی و اجتماعی مسلمین محسوب می‌شود. در فیلم طلای سیاه با پیوند مالی تهیه‌کنندگان غربی و عربی اثری در جهت سردمداری اعراب صورت می‌گیرد که با تصاویری آگزره و بازی‌های تصنعی، ترکیب همراه کننده‌ای با مفاهیم دروغ افکن فیلم دارد و آن را به ابزاری ساختگی در جهت

امیال قدرت خواهانه آل سعود تبدیل کرده است.

این فیلم گرچه عناوینی تخیلی را بن‌مایه داستانش قرار داده، اما با کمی ردیابی می‌توان نشانه‌های زیست قبایل عمار و نصیب را در تعریف امروزی از عرب تمدن‌گرا یافت، که با همین برچسب برای خود هرگونه فسادی را در مثلث شومی از اضلاع وهابیت، سعودیت و مادیت گنجانده تا از این مسیرهای اعتقادی، سیاسی و اقتصادی، بر جنایت‌های بسیار خود سرپوش بگذارد. فیلم سردرگم روایتی رهاشده، در دل اتفاقاتی بی‌منطق با تمرکز به هسته‌ای واحد، با توجه به خرده روایت‌هایی گسسته است که فیلم را در زمره اثری خارج از قابلیت نقدی هنری قرار می‌دهد و قلم را به ردپای گام‌هایی هدایت می‌کند که در آن سیاست زدگی، شعار



## عرفان در حلقه

معنویت‌گرایی، تمنای فطری انسان‌هاست، اما معنویت‌های نوظهور پاسخی مسخ‌شده به این تمنا می‌دهند. نسخه‌هایی که مرکز معنویت که خدا باشد را قبول ندارند و ادعا می‌کنند با آموزه‌های دنیوی می‌توان جای خالی معنویت را در زندگی مدرن پر کرد. البته این عرفان‌های نوظهور در ظاهر چنین چیزی را به مخاطبان نشان نمی‌گویند ولی با توجه به عقاید و اندیشه‌هایشان، آموزه‌های غیردینی را در اذهان جای می‌دهند.

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان فرقه‌های معنوی و عرفانی را به سه دسته تقسیم کرد:

۱) عرفان‌هایی که مدعی دین جدیدی هستند مثل: «سای بابا»، «رام‌الله»، «اوشو»، «اکنکار»، «ذن بودیسم»

۲) عرفان‌های غیردینی مثل: «عرفان ساحری» یا «عرفان جادو»، «عرفان پائوکوئیلو»، «عرفان کارلوس کاستاندا»

۳) عرفان‌هایی که منشأ دینی دارند مثل: فرقه‌های «خانقاهی و صوفی»، «شاهدان بیهوه» که زیرشاخه مسیحیت هستند و «عرفان قبایلا» یا «کبالا» که عرفان یهودی است، «عرفان کریشنامورتی»، «یوگاناندا» و «دالایی لاما» نیز از این قسم به شمار می‌روند.

یکی از مواردی که در این فرقه‌ها به چشم می‌خورد و افراد را به وسیله آن مجذوب خود می‌کنند، انجام اعمال خارق‌العاده است. طبق آیه ۱۰۲ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: ساحرانی که اعتقادی به خدا و معاد و نبوت ندارند وقتی روح خود را قوی می‌کنند می‌تواند کارهای خارق‌العاده انجام دهند، ما معتقدیم که اعمال خارق‌العاده دلیل بر حقانیت افراد نیست، چون ساحران هم می‌توانند کارهای خارق‌العاده انجام دهند ولی سحر در اسلام کفر عملی است. ساحران فرعون یا سامری در زمان حضرت موسی (ع) همگی اعمال خارق‌العاده انجام می‌دادند. در مقابل معجزه دلیل بر حقانیت است، دلیلش هم این است که معجزه را، برخلاف کارهای ساحران، هرکسی نمیتواند انجام دهد و قابل آموزش و یادگیری هم نمی‌باشد.

موش پرستان در هند جسمشان را لاغر و نحیف میکنند تا روح خود را قوی کنند و یا مکاتبی تحت عنوان تیموریه داریم که به هر نحوی که شده روحشان را قوی می‌کنند و نیرو به دست می‌آورند. از نظر اسلام همه این کارها حرام‌اند این مکاتب معناگرا که مدعی هستند چون نیروی خارق‌العاده دارند پس برحق‌اند باید بپذیرند که حقانیت موش پرستان بیشتر از آن‌هاست چون نیروی بیشتری دارند.

خداوند در ادامه آیه ۱۰۲ اشاره می‌کند که روح انسان از خداست و خدا قدرتمند است و اذن این کار را به انسان داده تا بتواند باروح، اعمال خارق‌العاده نشان دهد. راه





را به انسان نشان داده است اما راهه‌ای دیگر را هم نبسته است تا انسان با اختیار و انتخاب راه درست را برود.

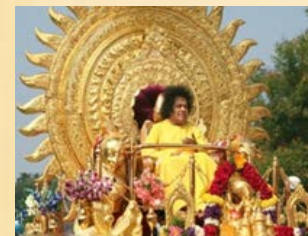
یکی دیگر از ادعاهای رهبران این‌گونه مکاتب این است که در عرفان‌های اسلامی خدا دست‌یافتنی نیست و خدایی را که در آسمان‌هاست میپرستند، در صورتی‌که ما خدای ملموس و خدایی را که در زندگی جاری و ساری است می‌پرستیم و هر کاری که انجام می‌دهیم با این خدای موجود در زندگی است. این نوع نگاه، نگاه پوزیتیویستی است و مشابه حرفی است که بت پرستان در زمان پیامبر (ص) می‌زدند. اتفاقاً عرفای اسلامی معتقدند که خدایشان در همه‌جا حضور دارد و قادر مطلق است و در تمام کائنات و هستی تأثیر می‌گذارد؛ اما مکاتب معناگرا تجلی خدا را برای یاران خودشان ظهور می‌دهند و می‌گویند که خدا در کنار شماست و در کنار گوشتان است و یا در کنار چشم و دهان شماست. این تلقین است و خدا از هر صفت انسانی و زمینی و مادی به دور است؛ اما باید تلاش کنیم صفات خدا را به دست بیاوریم تا خلیفه‌الله شویم. عارف اسلامی می‌خواهد انسان را بالا ببرد و به سمت خدا راهنمایی کند اما عارف غیر اسلامی می‌خواهد خدا را پایین بکشد و روی زمین بیاورد.

یکی دیگر از مشکلات عرفان‌های کاذب رهبانیت و گوشه‌نشینی است در صورتی‌که عرفان اسلامی این‌طور نیست و رهبانیت و گوشه‌نشینی را نمی‌پذیرد. در عرفان اسلامی، انسان

باید در جامعه حاضر باشد ولی کارهای خود را برای رضای خدا انجام دهد. در عرفان‌های کاذب چله‌نشینی دارند درحالی‌که در عرفان اسلامی ما چله‌گیری داریم که این دو باهم متفاوت هستند.

در چله‌نشینی فرد به غار یا خانقاه و اماکن دور از جامعه چهل شبانه‌روز بنشیند، روزه بگیرد و مشغول دعا و ذکر شود. در چله‌گیری افراد زندگی عادی خود را در ۲۴ ساعت انجام می‌دهند به شرط اینکه هیچ کاری را مخالف رضای خدا انجام ندهند و البته کارهای روزمره هم باید با نیت قربت الی الله باشند. زمان پیامبر (ص) عده‌ای از اصحاب در مسجد نشستند که ما خانه نمی‌رویم و در همین‌جا می‌نشینیم و فقط عبادت می‌کنیم. وقتی خبر به حضرت رسید، پیامبری که رحمت برای تمام جهانیان است، شلاق برداشت و آمد بر زمین مسجد زد و خطاب به آن‌ها گفت از مسجد من بیرون بروید، رهبانیت در اسلام نیست و تعطیل کردن زندگی به هر بهانه‌ای مورد قبول نیست.

علت اصلی پیدایش این عرفان‌های نوظهور و انحرافی را می‌توان در یک نکته مهم دانست و آن هم این است که مردم در عصر حاضر وقت کمتری برای بالا بردن سطح معلومات دینی خود صرف می‌کنند و این خلأ از معلومات دینی باعث شده که زمینه برای سوءاستفاده دیگران فراهم شود. این عرفان‌ها، مدعی رفع نیازهای انسان امروزی هستند و هرکدام با توجه به یکی از ابعاد انسان و یا نیاز او، دستورالعمل‌هایی داده و از مخاطبان خود عمل به آن‌ها را می‌خواهند. ما نمی‌توانیم تولید این جنبش‌ها را متوقف کنیم اما می‌توانیم و البته وظیفه داریم با داشتن شناخت کامل از دین خود و عرفان‌های نوظهور، خود و اطرافیانمان را در مقابل این انحراف‌ها بیمه کنیم.



## عجاز علمی قرآن در تحمل ایمنولوژی طی بارداری

علیرضا مولازاده

ارشد ایمنی-شناسی پزشکی ۱۳۹۳

یکی از خصوصیات اصلی سیستم ایمنی، تشخیص خودی از بیگانه می‌باشد. از لحاظ پیوندی، فقط بافت‌هایی که از نظر ژنتیکی با گیرنده سازگاری دارد با موفقیت انجام می‌شود؛ اما رشد و تکامل پیوند نیمه بیگانه جنین (با ۵۰٪ از کروموزوم‌های پدری) در کمال سلامت و به‌دور از هرگونه خطر در رحم مادر موردی است که به‌وضوح از قوانین کلاسیک پیوند تخطی می‌کند و سیستم ایمنی که کار دفاع از بدن و مبارزه با آنتی‌ژن‌های بیگانه را در هر ثانیه صدها بار و به‌شدت تکرار می‌کند، در این مورد هیچ واکنشی از خود نشان نمی‌دهد. این حقیقت محققان را بر آن داشت که از این تناقض ایمنی بسیار جالب و شگفت‌انگیز، با عنوان Immunological Paradox of Pregnancy یاد کنند. حقیقتی که گویی مصحف شریف نیز در آیات ۱۳ مومنون و ۲۱ مرسلات با معرفی رحم به‌عنوان «قرار مکین» (جایگاه استوار، قرارگاه محفوظ) به آن اشاره کرده و محققان را در طول تاریخ به بحث و تأمل در اسرار آن دعوت نموده است. اسراری که هرکدام می‌تواند تحولی در ایمنولوژی پیوند بیافریند و ما را در درمان ناهنجاری‌های بارداری مثل سقط، پری اکلامپسی و زایمان پیش از موعد یاری دهد.

بعضی از مکانیسم‌های ایمنی دخیل در این شگفتی:

علی‌رغم اینکه سیستم ایمنی اختصاصی به خاطر سلول‌های T سایتوتوکسیک نقشی محوری در رد پیوند آلوگرافت بر عهده دارد، اما در طی بارداری با افزایش Th۲ نسبت به Th۱ و Treg نسبت به Th۱۷ این سیستم از پیوند الوگرافیت جنینی حفاظت می‌کند. با عدم بیان گیرنده ۱۶ (CD) (Ig

در سلول‌های NK دسیجوای رحم برخلاف سلول‌های مشابه در خون محیطی و کاهش فرایند ADCC از قدرت سلول کشی آن‌ها نیز کاسته می‌شود و این موضوعی است که برای بقای جنین در رحم لازم است تا آنجا که یکی از علل مهم سقط‌های مکرر، افزایش فعالیت سلول کشی سلول‌های uNK برشمرده شده است. ماکروفاژها در طی بارداری دو عمل تقریباً متضاد و شگفت‌انگیز بر عهده دارند: القای تحمل ایمنولوژیک علیه بافت‌های آلوژنیک جنینی و همزمان هجوم به عوامل بیماری‌زا. سایتوکاین‌هایی نظیر IL-۱۰ و TGF- فعالیت ماکروفاژهای رحمی را کاهش داده و ویتامین D۳، فاگوسیتوز و کموتاکسی ماکروفاژها را افزایش می‌دهد و این امر در جلوگیری از عفونت‌های دوران بارداری کمک می‌کند. جالب‌توجه آنکه ۷ آنزیم هیدروکسیلاز در جفت بیان شده و بنابراین جفت قادر به تولید ویتامین D۳ می‌باشد.

تحمل ایمنی در برابر آنتی‌ژن‌های جنینی در نتیجه عملکرد مجموعه هماهنگی از سلول‌ها و فاکتورهای محلول سیستم ایمنی ایجاد می‌شود و این یکی از اعجازهای علمی قرآن کریم است که صدها سال قبل خدای عزوجل با تعبیر رحم به «قرار مکین» به آن اشاره کرده است.



مستی نه از پیاله نه از خم شروع شد  
از جاده سه شنبه شب قم شروع شد  
آیینه خیره شد به من و من به آینه  
آنقدر «خیره» شد که تبسم شروع شد  
خورشید ذره بین به تماشای من گرفت  
آنگاه آتش از دل هیزم شروع شد  
وقتی نسیم آه من از شیشه ها گذشت  
بی تابی مزارع گندم شروع شد  
موج عذاب یا شب گرداب؟ هیچ یک  
دریا دلش گرفت و تلاطم شروع شد  
از فال دست خود چه بگویم که ماجرا  
از ربنای رکعت دوم شروع شد  
در سجده توبه کردم و پایان گرفت کار  
تا گفتم السلام علیکم... شروع شد  
فاضل نظری

